

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۰ جولای ۲۰۲۱

"پیروزی" هائی که افتخاری به همراه نیاورد!

جمعه- ۱۸ سرطان ۱۴۰۰ - کابل: از آن جائی که فاجعه ننگین و خونبار ۷ ثور ۱۳۵۷ زمانی رخ داد که من تازه در صنف دوم متعلم بودم، گفته می توانم که تقریباً تمام دوران تحصیلی خود را در شرایطی سپری نمودم که یا کشور مستقیماً تحت اشغال قوای تجاوز روس قرار داشت و یا هم نوکران روس به نمایندگی از بادران شان بر کشور حاکمیت می نمودند. در نتیجه خواسته و یا ناخواسته در تمام فضای جامعه به خصوص مکاتب و از آن هم خاص تر در ساعاتی که مضمون تاریخ تدریس می شد، روحیه آزادیخواهی، دفاع از میهن و نفرت و انزجار از اشغالگران موج می زد. گاهی اتفاق می افتاد که برخی از استادان یا قصداً و هدفمندانه و یا هم زیر تأثیر جو کلی جامعه، حین تشریح مبارزات آزادیخواهانه مردم ما در بستر زمان چنان داد سخن می دادند و زبان شان را آزادانه به حرکت می آوردند که صنف سراپا شور و هیجان شده، تعدادی از شاگردان فهمید و مستعد خود را در هیأت قهرمانان آن معرکه ها می دیدند. یعنی صحبت های تعدادی از استادان فضائی را به وجود می آورد که مردم در باب شاهنامه خوانی چنین گفته اند:

هر آنکس که شاهنامه خوانی کند اگر زن بود پهلوانی کند

یکی از استادانی که گاهی در ساعت درسی اش همچو فضائی موج می زد، استاد "نعیم خان متخلص به نسیمی" استاد تاریخ ما در صنف دوازدهم بود. وی که از قرار معلوم کین و نفرتی عمیقی علیه خلق و پرچم و بادران اشغالگر آنها روسها داشت، و روی دلایلی که نزد خودش وجود داشت، فعال سیاسی هم نبود، در بعضی از مواقع حین تشریح مقطع هائی از تاریخ کشور، صنف را به تالار سخنرانی سیاسی آزادیخواهانه و ضد اشغال و اشغالگری مبدل نموده، با محور قرار دادن کشور متجاوز "انگلستان" عملاً از شاگردان می خواست که اگر می خواهند نام شان در تاریخ در کنار انسانهای بزرگ و آزاده ای چون میر مسجدی خان، امین الله خان لوگری، عبدالله خان اچکزائی، محمدشان خان بابکر خیل، میربچه خان کوهدامنی، ملا عبدالغفور لنگری، ملا مشک عالم و ده ها و صد قهرمان و جانباز دیگر کشور قرار گیرد و مایه افتخار خودش، خانواده اش و تاریخ کشور گردد، باید خطر را پذیرفته در مقابل تجاوز بیگانه بایستند و بی هراس از مرگ، آزادی خود و هموطنش را در کام مرگ جست و جو نمایند.

نکته ای را که استاد "نعیم خان" همیشه در ختم تشریح بخش هائی چون دفع تجاوز اول انگلیس* و یا هم دفع تجاوز دوم آن تذکرمی داد، افتخاری بود که خلق ما بر مبنای عدم وابستگی به غیر و اتکاء به نیروی خود از آن دستاورد ها صاحب می شد.

استاد "نعیم خان" که صدایش اندکی باریک و لرزان بود، وقتی به این نتیجه گیری ها می رسید، در حالی که می کوشید صدایش لرزش کمتری داشته باشد و به نحوی آن باریک بودن صدا نیز اندکی "غور" گردد، با طمأنیه و افتخار می گفت:

"شکست دادن یک قدرت استعماری عصر، فقط زمانی می تواند افتخار آفرین باشد، که با اتکاء به نیروی خود و بدون وابستگی به کدام نیرو و یا کشور خارجی به دست آید، در غیر آن هرگاه یک قدرت استعماری و اشغالگر بیرون رانده شود و به جایش نیروی اشغالگر دیگری وارد شده، مقدرات و سرنوشت ما را زیر سیطره خودش بگیرد، آن دستاورد نه، بلکه تداوم اشغال به شکل دیگر است"

هموطنان گرامی!

وقتی شکست های مقتضحانه سوسیال امپریالیسم روس و امپریالیسم امریکا را در ربع چهارم قرن بیست و ربع اول قرن بیست و یک می بینم و می خواهم آن را پیروزی بنامم، خیلی سریع "ندای ملکوتی" جانبازان میهن که آن زمان از حلقوم و حنجره استاد "نعیم خان" بیرون می شد، به گوشم می رسد که زینهار، اینها پیروزی نیست و ادامه شکست است و اگر هم از بعدی پیروزی به حساب آید، افتخاری ندارد چون وابستگی نیروهای درگیر، به جای آزادی، علی رغم جانفشانی ها و قربانی های بیدریغ خلق ما، حاکمیت و سلطه اشغالگر و یا اشغالگران دیگری را به ارمغان آورده است. به جای حاکمیت روس و امریکا، حاکمیت پاکستان و ارتجاع، نتیجه تمام جانبازی ها و جانفشانی ها شده، چیزی به نام افتخار باقی نمی گذارد.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزءلایتجزای مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!

سرکها ما را می طلبند!

یادداشت:

باید امانت دارانه بیفزایم که ترکیب "دفع تجاوز اول و یا دوم انگلیس" را از پورتال آموخته مرهون نویسندگان می باشیم. استاد عزیز ما "نعیم خان" معمولاً به مانند تمام مؤرخان و استادان "جنگ اول و ویا هم دوم افغان و انگلیس" می گفت.

ع. قریشی